

نقد-۲

نگاهی به فیلم «لتیان» ساخته علی تیموری

مواجهه سنت و مدرنیسم

● با طرح این پرسش اجتماعی که در اساس انگیزه وصلت این شخصیت متعصب با دختری مانند سلما که آرایش غلیظ او در آینه اتومبیل و لاک‌های قرمزنگش در میانه راه خودنمایی می‌کند، از چه قرار می‌توانسته باشد؟ پاسخ این پرسش گذشته از روان‌شناسی اجتماعی افراد متعلق به این قشر (متعصب نوکیسه) را شاید بتوان در زبان نمادین فیلم جست‌وجو کرد.

از سوی دیگر، آنچه در بازمینی اندیشه و بررسی آسیب‌شناسانه شخصیت «مانی» به‌عنوان فردی متعلق به قشر مدرن و ظاهراً نواندیش جامعه قابل دریافت است، رهاکردن همسر سابقش برای دستیابی به موفقیت‌های بیشتر و شاید هم خوش‌گذرانی که خارج از کشور بوده که مسئله تعهد و عاطفه انسانی و ر قالب سنتی و رسمی آن را در تعارض با بلندیروازی و روحیه پیشرفت و ترقی‌خواهانه این قشر از جامعه قرار می‌دهد.

از لحاظ ویژگی ظاهری، عینک روشن و با قلاب بزرگ مانی (برخلاف عینک تیره طاه‌) در شخصیت‌پردازی این فرد و نمایش نمادین دیدگاه‌های این فرد کارکرد مناسبی پیدا کرده است. همچنان که در طرف دیگر ماجرا، سخت‌گیری‌های متعصبانه و بی‌مراگانه طاه‌ در مراقبت و تملک‌خواهی نامزدش بدون هیچ‌گونه اعتنا به آسیب‌های روانی و فرهنگی که ممکن است این قبیل رفتارها برای سلما و دیگران در بر داشته باشد، در نقطه مقابل سمت‌گیری‌های اجتماعی و فردی قشر مدرن به نمایندگی مانی قرار می‌گیرد. برخورد‌های بیمارگونه و ترسناک طاه‌ در خلوت‌شان با سلما که در فضایی با احاطه نور قرمز به نشانه خشم و تعصب و خون‌چندین‌بار جلوهگر می‌شود، در مقابل، هرچند رفتارهای گذشته مانی درباره سلما و رهاکردن این زن به بهانه پیشرفت و رشد بیشتر را هم به طور مسلم می‌توان نقطه ضعف این شخص به نمایندگی از قشر مدرن و تجددخواه در نظر گرفت... (دراین موزین موزیک گوش‌دادن فرزند رضا و یاسی به معنای بسته‌بودن گوش این نوجوان از شنیدن حرف‌های نه‌چندان آموزنده این افراد بزرگسال و در عوض عکس‌برداری از او حالات مختلف این هم‌راهان از معنای جالبی در پیوند با ارتباط این نوجوان با نسل بعدی برخوردار است.

اما فیلم از ابتدا به نشانه‌گذاری به نسبت دقیق‌تری در قلمیابه با دیگر فیلم‌های این ژانر (!) به ترسیم مختصات شخصیت‌های درگیر در این ماجرا می‌پردازد. به گونه‌ای شاید بتوان این دسته از جوانان را با تمایز بیشتر و پیرنگ‌تری از یکدیگر بررسی کرد. به طور مثال شخصیت رضا که از طریق گفته‌هایش به همسرش یاسی و دیگران متوجه می‌شویم، دغدغه فروش تابلوهای نقاشی‌اش را دارد. ناخودکاه که بیرون از سمت‌گیری‌های اخلاقی و اجتماعی این دو جبهه می‌ایستد و چه بسا در اغلب مواقع و بزنگاه‌های ماجرا تلاش می‌کند تا مانند نقشی که ماهیت «هنر» در جالش‌های اجتماعی و فرهنگی همواره ایفا کرده، خودش به تلفظین این موقعیت‌های انسانی و فضائی تیره و تحمّل‌ناپذیر درگیری خصمانه میان طاه‌ و مانی بپردازد. چنان‌که در یکی از تصاویر ابتدایی فیلم هم به طور نمونه آن‌چنان که از پنجره عقبی اتومبیل مشخص است، رضا درست در بین طاه‌ و مانی قرار گرفته است. گویا قرار است پیش‌آگهی از میانجیگری یا واسطه‌گری میان نزاع بین این دو قشر متضاد و متخاصم را همین شخص برعهده بگیرد.

پس از درگیری ابتدای فیلم که میان یک وسیله نقلیه غریبه با دوستان ما روی داده، دسته جوانان منظر فیلم به طور موقت کارشان به نزاع و سپس کلاتری کشیده می‌شود. رویدادی که بعدتر در جریان گفت‌وگوهای داخل ویلا، طاه‌ درباره وقوع آن از دیگران را به نداشتن مسئولیت‌پذیری و شجاعت لازم در ورود به نزاع با «بیگانگان» متهم می‌کند...! در واقع طاه‌ در پاسخ به سهل‌انگاری و بی‌مسئولیتی افراد به‌ظاهر مدرن و سکولار، فیلم، آنها را فاقد جرئت و جسارت لازم در برخورد و منازعه با افراد بیگانه میان راه می‌انگارد. از این لحاظ درگیری چنین بحث و منازعه‌ها، در مقیاس بزرگ‌تر سرزمین ایشان چقدر آشنا و ملموس به نظر می‌رسد...! این در حالی است که رضا به‌عنوان فردی از قشر هنرمند و شاید برخاسته از توده مردم با اوده‌بازی و متلک‌پرانی از ابتدا طاه‌ را در برخورد با افراد غریبه، فردی بزدل و بی‌مسئولیت معرفی می‌کند. هرچند طاه‌ در پاسخ به این اتهام مغرضانه رضا، رفتار خودش با بیگانگان را رفتاری سیاست‌مدارانه و به منظور حفظ ساعت مچی گران‌قیمتش از هرگونه آسیب معرفی می‌کند. غافل از اینکه از ابتدا رضا به دلیل شائبه معامله طاه‌ با اشخاص دیگر در زمینه خرید آثار هنری‌شان شروع به تخریب رفتار و شخصیت طاه‌ در جمع این دوستان کرده است. به‌این‌ترتیب به نظر می‌رسد انگیزه قشر هنرمند یا شاید توده مردم به نمایندگی رضا بیش از آنکه دغدغه منافع جمع (جامعه و سرزمین) را با خود به همراه داشته باشد، ارجحیت منافع شخصی این هنرمند در تقابل با منافع گروهی را به نمایش می‌گذارد. رضا را در اینجا هنرمند نقاشی می‌شناسیم که بیش از هر چیز دغدغه فروش تابلوهایش را از طریق رانت طاه‌ به‌عنوان فرد وابسته به نهادهای قدرت دارد. از این لحاظ جامعه‌شناسی فردیت قشر هنرمند در وابستگی به گفتمان قدرت قابل بررسی است.

ادامه دارد



فرادک آرتا

حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل «خانه موسیقی»، در گفت‌وگو با «شرق» به بحث درباره بیمه هنرمندان و نحوه حمایت از اعضای تحت پوشش خانه پرداخت و در ادامه درباره نام‌گذاری «روز ملی موسیقی» توضیحاتی ارائه کرد. و در کنار آن به حواشی‌ها و رخداد‌های این مسائل متنباه هنر موسیقی نظرات خود را ابراز داشت که به این شرح است.

■ می‌دانیم امسال دوره هیئت‌مدیره خانه موسیقی به پایان رسید و باید انتخابات این نهاد صنفی از خردادماه امسال برگزار می‌شد. با توجه به شیوع کرونا بالاخره تکلیف انتخابات «دوره جدید خانه موسیقی» چه وقت مشخص می‌شود؟

همان‌طور که می‌دانید «خانه موسیقی» نهاد مدنی فراگیر است که هم «صنفی» و هم «تخصصی» است که الان بیشتر از ۱۵ هزار نفر عضو دارد. این نهاد ۲۰ سال را پشت سر گذاشته و امروز به یک نهاد مستحکم تبدیل شده که تأثیرگذار در مناسبات فرهنگی و هنر کشور و امور موسیقی است. این نهاد هر چهار سال یک بار با انتخاب هیئت‌مدیره ساختارهای مختلف تشکیلاتی‌اش شکل می‌گیرد که مأموریت این هیئت‌مدیره تابستان امسال تمام شد. انتخابات هیئت‌مدیره دوره جدید باید در خرداد یا تیرماه برگزار می‌شد که به دلیل شرایط خاص کرونا که همه کارهای مملکت را تحت‌الشعاع خود قرار داد، نتوانستیم برگزار کنیم! هرچند در دو نوبت اقدام به انتشار فراخوان کردیم.

■ یعنی آگهی در روزنامه دادید؟

بله. هر دو بار دقیقاً در دقیقه ۹۰ به منوعیت‌های کرونایی مواجه شدیم که هرگونه تجمع را ممنوع کردند و مهربانانه قرار بود در فضای باز تالار وحدت با حفظ پروتکل‌ها این انتخابات را برگزار کنیم.

■ آیا در اساسنامه بندی برای شرایط اضطراری پیش‌بینی شده است که اگر به هر دلیلی انتخابات به تعویق بیفتد، انتخابات دوره بعدی قانونی خواهد بود یا نه؟

ما تابع قانون کلی شرکت‌ها و مؤسسات هستیم، این موضوع در قانون حقوق شرکت‌ها وجود دارد؛ با وجود این هم از اداره کل حقوقی وزارت ارشاد استعلام گرفتیم و هم با دبیرخانه هیئت نظارت بر مؤسسات فرهنگی در وزارت ارشاد مکاتبه کردیم، چون پروانه‌مان را از هیئت نظارت گرفتیم، در بخش حقوقی هم برای اینکه نظر حقوقی مشخصی را بگیریم، استعلام کردیم و آنها هم گفتند با توجه به اینکه الان همه چیز تابع قوانینی است که به‌خاطر ممنوعیت‌ها در کشور جاری است، همه باید تابع آن سازوکار باشند و تا انتخاب افراد جدید، افراد قبلی مسئولیت‌شان پایرجا و قانونی است.

■ ظاهراً برخی افراد پیشنه‌شان برگزاری انتخابات به شکل الکترونیکی را داده‌اند، نظراتن در این‌باره چیست؟

این نکته از ابتدای شیوع کرونا در کشور مطرح شد؛ اما معتقدیم انتخابات الکترونیک امری حساس و نیازمند زیرساخت‌هایی است، چون از نظر سازوکار حقوقی، شناسایی افراد و پایبندی به آیین‌نامه‌های مختلف کانون‌ها، باید دقیقاً طبق آیین پیش‌برود تا هیچ خدشه‌ای به آن وارد نشود. تا الان طبق بررسی‌ها چیزی تحت این عنوان وجود ندارد؛ به این سادگی‌ها نیست که نظر سنجی‌ها بگوئیم در واتس‌اپ و تلگرام بگوئید بله یا خیر. باید دقیقاً همه مفاد آیین‌نامه و اساسنامه را رعایت کنیم، اگر چنین نرم‌افزاری طراحی و انجام شود، باگ‌ها و آزمون و خطا داریم که یک روند زمان‌بر است. این‌طور نیست که بگوئیم تا یکی، دو ماه دیگر نرم‌افزار را آماده می‌کنیم. بااین‌حال کاری است که باید به آن اندیشیده‌شود تا بعدها به تحقق برسد؛ اما فعلاً باید منتظر باشیم‌ تا شرایط بهتر شود و التیهاب کرونا تا حدی فروکش کند و فضای آماده‌شود تا مثلاً در فضای باز یا سالن بزرگ با رعایت حدنصاب انتخابات را برگزار کنیم. یکی از کانون‌های ما مثلاً چهار، پنج هزار نفر هستند و اصل بر این است که همگی حضور پیدا کنند. البته با خبرهای خوبی که از نظر پروتکل‌ها و آمدن واکسن می‌شنویم، امیدواریم این شرایط به‌زودی مهیا شود، چون به دنبال انتخابات پرشوری هستیم، ممکن است برخی تلقی دیگری داشته باشند اما واقعا استحکام این نهاد و چنین نهادهایی با مسائلی تالاست. رمز موفقیت در بام‌بودن است نه در اختلافات. اختلاف نظر و سلب‌حق وجود دارد، خیلی هم خوب و محترم است، نقد سازنده بسیار خوب است اما تخریب نه. نمی‌خواهیم مقابل هم باشیم، اصلاً نمی‌خواهیم با هیچ موسیقی‌دانی مقابل هم باشیم، چون از یک خانواده هستیم و می‌خواهیم مشارکت بالا باشد و امیدواریم این دوره محقق شود.

■ ظاهراً نامه‌ای خطاب به استاد فخرالدینی هم درباره انتخابات الکترونیکی رساله‌ای شد.

اصلاً ما از قبل دنبالش بودیم. حتی در فصلنامه خانه موسیقی به آن اشاره شده بود که این کار خوب است. به‌تازگی هم تعدادی از هنرمندان نامه‌ای به استاد فرهاد فخرالدینی، ریاست محترم شورای عالی خانه نوشتند و چنین موضوعی را خواستند. ایشان هم تأکید کردند که این انتخابات به‌صورت الکترونیک انجام شود. در نامه‌شان نکاتی را هم متذکر شده بودند که مثلاً چشم‌انداز آینده خانه می‌تواند چه مواردی باشد. اتفاقاً آن نکات، مواردی است که دنبال کرده‌ایم و بخشی محقق شد، بخشی در حال محقق‌شدن است و بخشی در حال پیگیری جدی است.

■ مثلاً کدام موارد؟

از مواردی که ذکر شده بود بحث ایجاد «شعب» خانه موسیقی در سراسر کشور بود. در گذشته دور چندشعبه - به آن معنا هم شعبه نوده‌اند و مشکلاتی داشتند- وجود داشت؛ مثلاً یک نفر در شهری یا مرکز استانی، آموزشگاه موسیقی یا دفتر مؤسسه فرهنگی داشته و پیشنهاد کرده به مسئولان وقت خانه موسیقی که می‌توانم فضایی را در اختیار خانه موسیقی بگذارم و شما اینجا شورای موسیقی را دایر کنید. خب این اتفاق چه چیزی را به ذهن متبادر می‌کند؟ یعنی شما اعتبار یک نهاد را به نفع یک شخص مصادره می‌کنید. تمام شعب خانه موسیقی که دوستان اشاره کردند به این صورت بوده است.

■ اینکه قانونی نیست.

بله. من با هیئت‌مدیره به‌جد صحبت کردم که این کار خلاف است و نمی‌توانیم نهاد را به نفع اشخاص مصادره کنیم.

■ باید سازوکار قانونی وجود داشته باشد.

الان در بحث شعب دو شرط مهم و اساسی داریم؛ (۱) داشتن اجماع نسبی هنرمندی. فرض کنید در شهری یا مرکز استانی تعدادی هنرمند موسیقی فعالیت می‌کنند. ممکن است شهری مرکز استان باشد یا نباشد. مثلاً ۱۵، ۲۰ هنرمند به خانه موسیقی نامه نوشته و درخواست می‌کنند که ما هنرمندان موسیقی فلان شهر خواهم می‌کنیم شعبه خانه موسیقی را بررسی کنید که سازوکارش را برای تأسیس شروع کنیم. با فاصله کوتاهی هنرمندان دیگری از همان شهر نامه می‌نویسند که اصلی‌ها ما هستیم. شما نتیجه می‌گیرید اینجا دو گروه هستند که همدیگر را قبول ندارند.

■ البته در قاطبه مناسبات هنری کسی دیگری را قبول ندارد!

بله، البته که خانه موسیقی قرار بود تأسیس شود همه این مسائل را داشت. اساساً در هنر فردیت خیلی مهم است اما به هر حال هنرمندان

هنر

گفت‌وگو با حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل «خانه موسیقی»

سانسور دامن بخش جدی موسیقی را گرفته



عکس: هنرآتلاین

موسیقی کشور به این نتیجه رسیدند که ما یک‌سری منافع مشترک داریم و لازم نیست من شما را قبول داشته باشیم که کنارتان بنشینم. لازم نیست حتماً سلیقه یکسانی یا شما داشته باشیم اما برای اینکه بتوانیم منافع مشترکمان را دنبال کنیم باید کنار هم بنشینیم. این باور کم‌کم به وجود آمد و این خانه شکل گرفت. در جاهای دیگر هم این مسئله باید شکل بگیرد. وقتی شما در محیط کوچک‌تر می‌روید نمود بیشتری دارد. تهران یک دریاست و قاطبه اهل موسیقی اینجا هستند. آن‌قدر بزرگ است که حداقل دو گروه نمی‌شود و هرکس برای خودش مجموعه‌ای دارد و همه کار می‌کنند، خیلی نیاز نیست آدم‌ها به هم تته بزنند. اما در محیط کوچک‌تر که مجال و بستر فعالیت کوچک‌تر می‌شود، تنش‌ها بیشتر نمود پیدا می‌کند. بحثمان این بود که ما به تفرقه دامن نزیم که بگوئیم یک گروه را به رسمیت می‌شناسیم.

■ قطعاً در این ساختار باید «رئاداری» حاکم می‌شود؟

بله. خانه نباید بگوید فقط یک گروه را به رسمیت می‌شناسیم و گروه دیگری را نه. باید بگوئیم همه را پوشش می‌دهیم، باید سعی کرد با هم‌گرایی، وحدت نسبی به وجود آورد. افرادی هم هستند که اساساً اهل مشارکت نیستند ولی حداقل معارض جدی نباید وجود داشته باشد. این یکی از شروط بود.

■ مورد دوم چه بود؟

مورد دوم این بود که آیا مکانی برای فعالیت دارند یا نه. چون مکانی که قرار است تابلوی خانه موسیقی سر در آن نصب شود، نباید شخصی باشد.

■ خب این مکان چگونه باید تأمین شود؟

می‌توانند از میراث فرهنگی یا ارشاد، به هدرداری فضای مستقلی بگیرند. یا مجموعه بخش خصوصی هست که نمی‌خواهد اسم خودش را بزند. مثلاً فرد خیری که می‌خواهد ساختمانش را در اختیار خانه موسیقی شهر بگذارد، آن فضا خیلی اهمیت دارد. الان بعضی شعبات تقریباً در حال دایر‌شدن است. این ایده است و بد هم نیست.

■ به موضوع هم‌گرایی اشاره کردید. برای تحقق این‌ امر چگونه عمل کردید؟

ما در این دوره خاص شیوع کرونا برای هم‌گرایی شاهد بودیم کمک‌هایی که خانه موسیقی برای اعضایش توانست جذب کند، اعضا احساس کردند خانه تنها جایی است که می‌تواند به دانش‌شان برسد. یعنی تا پیش از آن اهل موسیقی هیچ پناهگاهی نداشتند. موضوعی که الان به‌شدت دنبالش هستیم بیمه هنرمندان است که کف حقوق قانون کار است. اگر یک هنرمند موسیقی امروز بعد از ۳۰ سال بازنشسته‌شود پایه حقوق امروز را می‌گیرد اما به‌جد دنبال این موضوع هستیم و ما جاهایی هم پیش رفته‌ایم. با وزارت کار و رفاه، با دکتر ریبعی و با آقای شریعتمداری وزیر و همین‌طور وزارت ارشاد، با معاون اول رئیس‌جمهور آقای جهانگیری، با دکتر نوبخت، مسئول سازمان تأمین اجتماعی حتی قبل‌تر با مرحوم نوربخش و آقای سالاری جلساتی داشتیم و به نظر من امر محقق خواهد شد که در شان هنرمندان کشور نیست. اگر قرار است خدمتی به اینها شود، بد است که یک هنرمند شاخص تأثیرگذار در این کشور بعد از ۳۰ سال، دو میلیون تومان حقوق بازنشستگی بگیرد!

■ چه مانعی در این راه وجود دارد؟

یک بخش مهم پولی است که دولت از طریق صندوق اعتباری هنر می‌دهد. چون پولی که دولت می‌دهد براساس کف پرداخت می‌شود. ولی سازوکارهایی اندیشیده شده که می‌تواند این مسئله را حل کند. یعنی اگر منع کف پرداخت برداشته‌شود، عدد بزرگی برای دولت نیست و امیدوارم مشکل حل شود. به هر حال این یکی از دغدغه‌های جدی من است. اگر بتوانم این کار را انجام دهم، فکر می‌کنم همه کارهایم را کرده‌ام. مسائل دیگری هستند که نباید پیشاپیش گفته شوند. بعد از نامه‌ای که دوستان دادند، آقای فخرالدینی هم جواب مستدلی دادند که بسیار موزج و گویا بود و گفتند این مسئله در اختیار هیئت‌مدیره است. ضمن اینکه بر هم‌گرایی، مشارکت بالا و ساختاری تأکید کردیم که خیلی خوب بود. کسانی که درخواستی دارند به این مسائل باید توجه بیشتری شود. وقتی چیزی را از کسی می‌خواهید باید بدانید در محدوده وظایف آن شخص هست یا نه.

■ ما هنرمندان برحسته موسیقی نواحی داریم در اقضا نقاط مختلف ایران که هیچ حمایتی از آنها نمی‌شود؛ البته در جریان هستم که در سه سال گذشته با حمایت رئیس صندوق اعتباری هنر و با تلاش و همت مشاور صندوق، خانم افسانه محی شعار، به شهرهای مختلف رفته‌و به وضعیت این موسیقی دانان رسیدگی کردند. رویکرد شما به این هنرمندان چیست؟

بدون استثنا همه هنرمندان نواحی کشور عضو خانه هستند. یک بخش بسیار بزرگ از این هنرمندان سالانه در جشن خانه موسیقی مورد تکریم قرار گرفتند. ما تلاش کردیم مردم این افراد را ببینند و جامعه با آنها بیشتر آشنا بشود و به این افراد احترام بگذارند. البته این‌ بخش پررنگ‌ترین و جذاب‌ترین بخش جشن بوده است. در مسائلی هم که جست‌و جو می‌کردیم برای هنرمندان این افراد پیش می‌آید، در جریان قرار می‌گیریم و بی‌درنگ اقدام می‌کنیم. منتها اینها مسائلی نیست که عنوان کنیم. متأسفانه وقتی که اتفاق ناگوار برای یک نفر از آن عزیزان می‌افتد یک‌عده در فضای مجازی بحث‌های حاشیه‌ای مطرح می‌کنند. به محض اینکه من از مسئله‌ای مطلع شوم بلافاصله اقدام می‌کنم. اگر از طرف ما کمکی به هنرمندی بشود، نمی‌توانم در سایت انعکاس دهم. یا اگر عیادت کسی می‌روم، هیچ وقت حاضر نشدم بگیرم. کم به این کار اصلاً معتقد نیستم. تا به حال این‌طور نبوده که از عکاس خانه بخواهم ما به این جاها بیاید و عکس بگیرد. چهار سال است که عضو هیئت‌مدیره صندوق

اعتباری هنرمندان هستم. اتفاقاتی که در صندوق هنر می‌افتد، ما دخیل هستیم. الان سه صنف خانه سینما، خانه تئاتر و خانه موسیقی عضو هیئت‌مدیره صندوق اعتباری هنر هم هستند؛ آقایان شهسواری، گیل‌آبادی و بنده. بنابراین کارهایی که در صندوق اعتباری هنر انجام می‌شود اتفاقات بسیارخوبی است که البته مصوبات هیئت‌مدیره است. بخش زیادی از کمک‌هایی که می‌شود از طریق صندوق اعتباری هنر صورت می‌گیرد و همه اینها الان متمرکز در صندوق است. اما موضوعات موسیقی از طریق خانه موسیقی هدایت می‌شود.

■ بحث بیمه هنرمندان یکی از موضوعات حیاتی است که واقعا بحالت‌آور است. یک هنرمند با ۵۰، ۴۰ سال سابقه فعالیت اندر خم مشکلات بیماری بدون هیچ‌گونه حمایت و بیمه درمانی است! مخصوصاً در دوران کرونا به دلیل نیمه‌تعطیل‌شدن فعالیت‌های هنری و وضعیت معیشتی و بیمه بی‌کاری هنرمندان هم دچار مشکل شد. مردم باید بدانند که فقط معدودی از هنرمندان وضعیت خوب مالی دارند و اغلب هنرمندان این مملکت وضعیت معیشتی خوبی ندارند. در این زمینه چه کردید؟

در اسفند ۹۸ و از ابتدای کرونا به‌جد این مسئله دغدغه‌مان بود. در صندوق اعتباری هنر در هیئت‌مدیره فکر کردیم این مسئله پیش آمده و آن زمان بحث بود که با شروع گرما مشکل حل می‌شود. از همان زمان فکر کردیم آموزش، کنسرت و تولید در موسیقی تعطیل شد. هنرمند موسیقی یا تولید می‌کند یا اجرا یا آموزش می‌دهد. اولین کاری که به ذهنمان رسید بحث بیمه بود و اینکه چطور قرار است حق بیمه‌شان را بدهند. بدون اینکه ریالی پول داشته باشیم، گفتیم فعلاً سه‌ماهه بهار را متعهد بشویم و صندوق بیمه را پرداخت کنیم. این اولین تصمیمی بود که گرفتیم. اعلام هم کردیم که صددرصد اجرا‌شود یعنی جزء باید‌ها باشد. طبیعتاً تا محقق شد خیلی فرازونش‌وب و کمی هم تأخیر داشت. عده‌ای از هنرمندان نگران بودند و هر طور شد حق بیمه را پرداخت کردند. بعضی‌ها خودشان پرداخت نکردند. حتماً می‌دانید اگر سه ماه حق بیمه را به تأمین اجتماعی نپردازید قطع می‌شود. نگران شدیم نباید باعث شویم بیمه این افراد قطع شود و گفتیم شما پرداخت کنید ما حساب می‌کنیم. خواستیم با تأمین اجتماعی حساب کتاب کنیم دیدیم تشتت به وجود آمد. یکی، دو نفر که نبودند، چند هزار نفر بودند یک عده پول را به تأمین اجتماعی داده‌اند. باید پول یک عده را پرداخت می‌کردیم. یک عده از این تشتت ناراحت شدند. کسانی که پول را نداده بودند به نفعشان بود. کسانی که پول را پرداخت کرده بودند تا به حسابشان برود کمی طول کشید. واقعا مصداق این شد که خواستیم ثواب کنیم، کباب شدیم! ولی به هر حال محقق شد. قدم بعدی این بود که هیئت‌مدیره صندوق با دکتر نبیخت و دکتر جهانگیری جلسه‌ای گذاشتیم. خوشبختانه هر دو نفر هم خیلی همراهی کردند و همه بخش‌های مربوطه دولت را هم به جلسه آورده بودند؛ از وزیر محترم ارشاد گرفته تا رئیس سازمان تأمین اجتماعی، رئیس صندوق کارآفرینی امید و همه کسانی که می‌توانستند در این زمینه دخیل باشند. مبلغ ۱۲۰ میلیارد از سازمان برنامه و بودجه گرفتیم و همه هنرمندان کشور در هر رشته و حتی نویسندگان و اهل رسانه این عده به حسابشان واریز شد. اگر کسی عضو صندوق هنر است این مبلغ به حسابش واریز شد.

■ بحث هنرکار چیست؟

بعداً در صندوق بحث شد که هنرکار‌ت را راه بیندازیم؛ یعنی برای همه اهالی فرهنگ و هنر کارت صادر شود تا همه به یک مجموعه وصل باشند. چون بیمه تکمیلی هم به این کارت وصل است و این کارت‌بانک هم وجه هویتی دارد که صاحب آن به‌عنوان فرد فعال در عرصه فرهنگ و رسانه خدمات دریافت می‌کند. این نشانه‌ات را باید سال اتفاق خوبی دیگری در راه است تا بتوانیم امسال را با آسیب کمتر بگذرانیم.

■ اخیراً استاد هوشنگ کامکار در گفت‌وگویی گفتند وضعیت موسیقی کلاسیک سنتی هم خیلی بازاری شده یعنی کسی به محتوا و هنر علاقه‌مندی نشان نمی‌دهد. در فضای مجازی هم می‌بینیم که وضعیت خوانندگی چطور است. خانه موسیقی به جز اینکه جایگاه صنفی است، جایگاه تخصصی حرفه‌ای است. در این زمینه چه کار کرده‌اید؟

این اتفاق متأسفانه در کل جهان افتاده و به شدت هنر را تحت تأثیر قرار داده. ما به تنهایی نمی‌توانیم کاری کنیم. آنچه وظیفه‌مان است هشداردادن و آگاهی‌بخشی است. هر کدام از هنرمندان شاخص مملکت مخاطبان و تریونی دارند و هرکدام یک رسانه هستند. تعدادی هم وظیفه‌شان را انجام می‌دهند. مهم کاری که آقای کامکار کردند در راستای آگاهی و هشدار بود. این‌طور نیست که بگوئیم ما در مبادی تولید موسیقی را روجوی را بندیدیم. اگر بتوانیم این کار را بکنیم باز هم درست نیست چون از روزن بزرگ‌تر سر بر خواهد آورد. در این مسئله بی‌تعارف به نظر مقصر درجه اول رسانه صداوسیماست. چون این جبهه جادویی که می‌گویند واقعا جعبه جادویی است، نسبت به این مسائل بی‌توجه است!

■ مثلاً ساز را در سیما نشان نمی‌دهند اما مواد مخدر را مثلاً در سریال‌ها می‌توانیم ببینیم!

البته هنوز هم این رسانه تأثیرگذار است با اینکه خیلی‌ها می‌گویند بی‌خاصیت شده. درست است که در خیلی از مسائل مرجعیت ندارد اما تأثیر دارد. مردم هنوز در این رسانه ساز نمی‌بینند. همه ما سال‌هاست فریاد زده‌ایم منتها گوش شنوایی وجود ندارد. سال‌ها پیش گفته بودم نشان‌دادن سه هیچ موجب خوار شدن دارد. از نظر فقه، موضوع موسیقی صداست نه تصویر. موضوع موسیقی، شنیداری است. موضوع فیلم دیداری- شنیداری است. مثلاً شما می‌گویید خدای موضوع خوردن است نه اینکه دیدن خمر حرام باشد. پس چطور است که از نظر شنیداری مشکل ندارد از نظر دیداری مشکل دارد؟ با چه منطق و استدلالی؟ همیشه گفته‌ام تیغ سانسور دامن بخش جدی موسیقی‌مان را گرفته. منعی که مسئولان می‌کنند به کجا آسیب می‌زند؟ بیش از صد شبکه فارسی‌زبان در ماهواره داریم که به تمام این شبکه‌ها که نوع موسیقی تیغ می‌شود که در صداوسیما هم همان است. از نظر ژانر یکسان است. ترجیح می‌دهم افراد متفاوت باشند. بنابراین در تمام صدو اندی شبکه ماهواره‌ای، تار، سه‌تار و کمانچه نمی‌بینیم اینجا هم نمی‌بینیم. در تمام آنها کیبورد می‌بینیم اینجا هم می‌بینیم. این نشان‌دهنده چیست؟ ما به کجا لطمه می‌زنیم؟ به بخش جدی موسیقی لطمه می‌زنیم. در فضای مجازی همین ماجرا هم دنبال شده و اینها برای جامعه‌اش تأکید کرده که خیلی خوب بود. کسانی که درخواستی دارند که ما هیچ تصویری نداریم، اگر بشنویم نمی‌فهمیم. بنابراین ما به یک نوع موسیقی عادت کرده‌ایم و از همان لذت می‌بریم. مثلاً شما به اسکیمو قورمه‌سبزی نشان بده هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد چون نمی‌داند چیست. نسل جدید ما فست‌فودی هستند. چون این‌طور بزرگ شده‌اند بنابراین بچه ۱۵ساله امروز علاقه‌ای به آلوگوش ندارد. ممکن است یک دفعه مجبور به خوردنش شود اما مورد علاقه‌اش نیست.

الان جامعه‌ای که گوشش به این موسیقی عادت کرده یک سقوط است. باید هشدار دهیم. هرکدام‌مان می‌توانیم در پیرامون خودمان تأثیر بگذاریم. مسئله‌ای که همیشه این روزها خیلی تأکید می‌کنم مثلاً در جامعه ایرانی چند سال است که باب شده رجوع به تمدن و آیین‌های کهن مثل یلدا، چهارشنبه‌سوری، مهرگان و نوروز. وقتی از تمدن گذر هزارساله صحبت می‌کنیم و چند هزار نفر به پاسارگاد می‌روند، بچتم این است که امروز با این تمدن کهن چه نسبتی داریم؟

ادامه در صفحه ۷

زیر درختان زیتون

ندا آیتی: شباهت و انتقال حس برای من اصلی‌ترین موضوع در ساخت پرتره دکتر یزدی صمدی بود



● ندا آیتی، مجسمه‌ساز، تأکید بر شباهت و انتقال حس در روند ساخت یک سردیس را ضروری خواند و گفت: «شباهت و انتقال حس، برای من اصلی‌ترین موضوع در ساخت پرتره مشاهیر است البته بدیهی است که جدا از بخش تکنیکی و تخصصی، یک اثر باید بتواند رضایت مخاطبان را که مردم هستند، نیز به دست آورد». به گزارش «شرق»، به نقل از روابط‌عمومی سازمان زیباسازی شهر تهران، ندا آیتی، از هنرمندان حاضر در سومین سمپوزیوم مجسمه‌سازی، ویژه دانشمندان، درباره روند ساخت سردیس دکتر بهمن یزدی صمدی گفت: «دکتر یزدی صمدی ازجمله چهره‌های ماندگار عرصه کشاورزی کشور به شمار می‌رود و ساخت سردیس چنین دانشمند و چهره فاخری باعث افتخار من است». او افزود: «معمولاً در مرحله نخست، هنرمندان یک عکس یا فیلم را برای آغاز ساخت ماکت جست‌وجو می‌کنند اما از آنجایی که من پیش از شروع کار، به واسطه یکی از شاگردان و دانشجویان دکتر یزدی صمدی، شناختی به دست آورده بودم، توانستم عکس‌های بیشتری را از ایشان پیدا کنم و در پروسه ساخت ماکت به کار ببرم. این هنرمند با اشاره به حواشی‌های ایجادشده در دوره ویل، بیان کرد: «شباهت و انتقال حس، برای من اصلی‌ترین موضوع در ساخت پرتره مشاهیر است. البته بدیهی است که جدا از بخش تکنیکی و تخصصی، یک اثر باید بتواند رضایت مخاطبان را که مردم هستند، نیز، به دست بیآورد اما همان‌طور که می‌دانید، گاهی یک اثر با شباهت نسبی هم به علت خوش‌ساخت‌بودن و تجربه مجسمه‌ساز در منتقل‌کردن احساس و حال‌و‌هوای سوزِ می‌تواند بدرخشد». آیتی درباره برگزاری سمپوزیوم مفاخر به شکل آنلاین گفت: «به علت محدودیت‌هایی که وضعیت قرمز کرونا برای سازمان زیباسازی شهر تهران ایجاد کرد، مسئولان ناچار شدند که رویداد را به شکل آنلاین برگزار کنند». او ادامه داد: «سمپوزیوم این دوره، بیشتر به محبت سفارش اثر به هنرمند نزدیک بود و برای من جای افسوس داشت زیرا من در نخستین تجربه خودم از سمپوزیوم به عنوان یک هنرمند نتوانستم از تعامل با هنرمندان و هم‌جواری استادان بهره‌مند شوم». این هنرمند خاطرنشان کرد: «یکی از عمده‌ترین تأثیرات سمپوزیوم‌ها در ایجاد روابط نزدیک بین هنرمندان و مخاطبان است زیرا به واسطه برگزاری چنین رویدادهایی مردم می‌توانند روند ساخت یک مجسمه و سردیس را از نزدیک ببینند و از آن بهره‌مند شوند بنابراین تأثیرگذاری سمپوزیوم بر روند فرهنگ‌سازی یک جامعه غریبال انکار است زیرا همین مشاهده ساخت آثار از سوی مردم، باعث می‌شود که این نگهداری آثار هنری نیز بیشتر تلاش و کوشش کنند اما خوب در این دوره به دلیل بیماری کرونا، چنین امکانی فراهم نشد». آیتی افزود: «به نظر هم‌برگزاری سمپوزیوم به شکل آنلاین، حداقل، امکان تلاش و کوشش هنرمندان این روزها با حضور ۲۱ هنرمند مجسمه‌ساز به شکل آنلاین در حال برگزاری است.

سفر ۵ کشور اروپایی در گالری مژده

● هم‌زمان با آغاز سال نو میلادی، نمایشگاه «دایره تکامل» جواد بیاد در گالری مژده در دو روز نخست

برگزاری شاهد دیدار پنج سفیر و کنسول کشورهای اروپایی و همسران آنها بود. برخی تابلوهای این نمایشگاه اشاراتی به حضرت مسیح و حضرت مریم دارد و در امتداد رویکرد کنش نقاشانه جواد بیاد، معنویت و نقطه وصل‌بیودن خاوندان را یادآوری می‌کند. تا این لحظه سفرای فنلاند، هلند، سوئیس، اتریش و کنسول چک به همراه همسران‌شان در کنار اقبال‌مختلف مردم با رعایت فاصله اجتماعی و قوانین بهداشتی از آثار دایره تکامل دیدن کردند. جواد بیاد درباره نام نمایشگاه گفت: «دایره، همان چرخه تکامل است و دایره‌ها در آثارم و چه از لحاظ کمپیوتریسنوی که دایره‌وار به رقص درآمده و چه دایره‌های رنگی که در آثار رسم‌شده مصداق چرخه روزگار و چرخه تکامل است و البته یادآوری می‌کند همه ما در دایره کره زمین هم‌سرزمین هستیم». این هنرمند درخصوص مضمون آثارش گفت: «پروردگار مٔان، فرستادگانی را از جانب خود برای ما انسان‌ها، برای رسیدن به تکامل و رشد بشریت مأمور کرد تا اینکه، با واردشدن در مسلک ناب تجلی، سعادتمند شویم. خداوند مظهر قهقام است و این ما بودیم که سس‌ونقاهم را به وجود آوردیم». او خاطرنشان کرد: «آثار من در بُعد معناگر و بر پایه معنویت هستند و این ظرفیت در قسمت سوز و ترسیم پس‌زمینه و حواشی اثر با خطوط نامنظم و خطوط اولیه، همان مصداق روند تکامل برای مخاطب است». او گفت: «سوز‌ها در آثار من اثری مفهوم همان تکامل هستند که برای رسیدن به تکامل حقیقی باید از حداقل‌ها فاصله گرفت و به حداکثرها رسید، برای این رسیدن باید پرواز کرد و پروازی برای خروج، خروج از تجملات، خروج از دنیاگرایی و... پرواز نماد یک حرکت هست، حرکتی سبک و آرامش‌بخش برای درک مهربانی پروردگار».